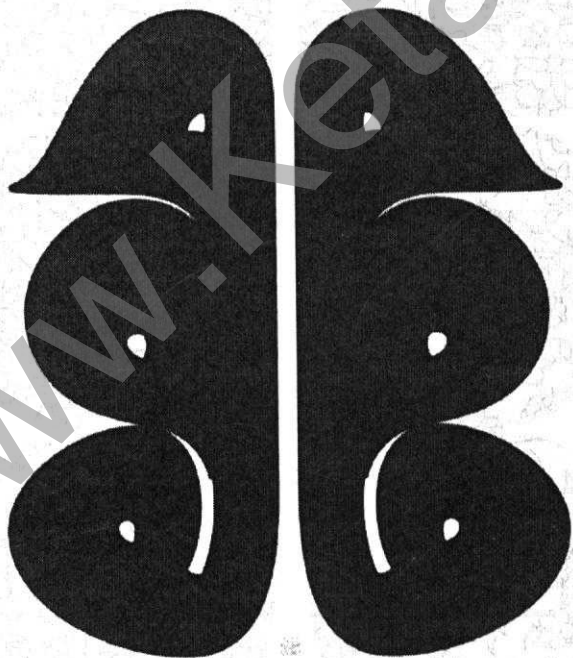


کاملاً استادی

مسائل ابدی و فقه سیعی

(مالکیت فکری ، حقوق معنوی)



www.ketab.ir

سرناسه: استادی، کاظم، ۱۳۵۴ -
عنوان و پدیدآور: تاریخچه مالکیت ایده در ایران / کاظم استادی.
مشخصات نشر: قم: توليد و پخش كتاب ارزشمند، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهري: ۱۰۴ ص، رقمي.
شابک: 3-26-6786-622-978
وضعت فهرستبوسی: قیبا
یادداشت: کتابنامه ندارد. همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: مالکیت فکری
موضوع: حقوق معنوی
موضوع: فقه
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۲



تولید و پخش کتاب ارزشمند
Arzeshmand

مسائل ایده و فقه شیعی

(مالکیت فکری، حقوق معنوی)
کاظم استادی

ناشر: توليد و پخش كتاب ارزشمند
چاپ اول: تابستان ۱۳۹۹ش / شمارگان: ۱۰۰ نسخه
چاپ: مبین / طرح جلد: کاظم استادی
آدرس پستی: ایران - قم - شهداء - کوچه ۲۳ - پلاک ۱۶/۱
کد پستی: ۳۷۱۸۵ - ۴۵۵۳۷
تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۳۵۴۱ - ۰۲۵۳۷۷۴۳۵۴۱
این نسخه مشروط بر عدم نسخه برداری فروخته شد

۱۵۰۰ تیراژ

الرحيم

الرحمن

الله

بسم

www.Ketab.ir

فهرست مطالب

۹ ----- مقدمه

مسائل ایده و فقه شیعی

۱۷ ----- مقدمه

فصل اول

۲۱ ----- **فقه ایده از گذشته تا حال**

۲۳ ----- ۱- تاریخچه فقهی مالکیت ایده

۲۵ ----- الف- تاریخچه مالکیت ایده در فقه اهل سنت

۲۷ ----- ب- تاریخچه مالکیت ایده در فقه شیعه امامیه

۳۰ ----- ۲- نظرات مراجع تقلید شیعه معاصر، پیرامون حق ایده

۳۱ ----- الف- فقهایی که حق ایده را نپذیرفته‌اند

- ب- فقهای که حق ایده را پذیرفته‌اند ----- ۳۵
- ج- تکمله، در نظرات مشروط----- ۳۹
- جمع‌بندی و نمودار نظرات----- ۴۳
- ۳- مبانی فقهی ایده ----- ۴۶
- الف- مبانی فقهی مخالفان حق ایده----- ۴۸
- ب- مبانی فقهی موافقان حق ایده ----- ۵۶
- ۴- عقب‌افتادگی فقیهان در ایده ----- ۶۴

فصل دوم

- برخی از پیش‌نیازهای فقه ایده** ----- ۶۷
- ۱- تعیین تکلیف و وضعیت فقهی ایده ----- ۶۹
- ۲- ثمرات پذیرش و عدم پذیرش فقهی «مالکیت و حق» ایده ----- ۷۱
- ۳- مزایا و معایب قبول یا عدم قبول حق ایده ----- ۷۳
- ۴- امکان عدم پذیرش حق ایده ----- ۷۴
- ۵- الزامات زندگی در دهکده جهانی ----- ۷۵

فصل سوم

- برخی از نیازهای فقه ایده** ----- ۷۷
- ۱- فلسفه مالکیت و حق ----- ۷۹
- ۲- ظرف مسائل جدید (مستحدثه) ----- ۸۰
- ۳- لزوم پرداختن به موضوع شناسی ----- ۸۲
- ۴- لزوم توجه به تفاوت مخاطب استفتاء ----- ۸۴

فصل چهارم

- آینده و فقه ایده ----- ۸۷
- ۱- مشکلات پیش‌رو ----- ۸۹
- ۲- تعیین محدوده حق ایده ----- ۹۰
- الف - تحدید مصداق عنوان ----- ۹۱
- ب - تحدید شمول ابواب فقهی مرتبط با ایده ----- ۹۲
- ۳- تعارضات (فقه و قانون) ----- ۹۴
- الف - تعارض فتوای فقها ه ----- ۲۹۶
- ب - تعارض قانون با قانون ----- ۲۹۷
- ج - تعارض قانون با شرع ----- ۲۹۸

مقدمه

www.ketab.ir

سال ۱۳۸۷ شمسی، در گفتگویی دوستانه با «شبهه ناشری»^۱، صحبت از «احکام و مسائل فقهی نشر و ناشران» شد؛ دیدم با اینکه سال‌های زیادی است که «چاپ» و «صنعت نشر» وارد ایران شده است^۲ و گسترش قابل توجه داشته است، و در سال‌های اخیر، تعداد زیادی از افراد در این حرفه و صنعت، کار و امرار معاش می‌نمایند^۳، اما در «رساله‌های توضیح المسائل عملیه» و کتاب‌های استفتانات مراجع معظم تقلید شیعه، احکام «نشر و ناشران» وجود ندارد^۴، یا بسیار بسیار اندک هستند؛ و نیاز ناشران و دست‌اندرکاران صنعت نشر را برآورده نمی‌کند.

۱. منظور ناشرانی است که به دلایلی، «مجوز انتشارات» اخذ کرده‌اند، ولی حرفه اصلی آن‌ها، نشر نیست؛ و فعالیت قابل توجهی در صنعت نشر ندارند.

۲. «چاپ سنگی» به حدود سال ۱۲۰۳ش و «چاپ سربی» به سال ۱۲۰۵ش، وارد ایران شده‌اند. برای اطلاع بیشتر از تحولات صنعت نشر در ایران، به مقاله «گاهشمار شمسی تغییر خط در ایران»، در کتاب «مسیر تحول خط عمومی»، کاظم استادی (۱۳۹۴)، مراجعه فرمایید.

۳. به عنوان نمونه، کتاب مرجع نشر ایران که در سال ۱۳۸۷ منتشر شد؛ حاوی اطلاعات چهار هزار ناشر، حدود هفت هزار کتابفروشی، حدود سه هزار چاپخانه، ۴۰۰ لیتوگرافی و حدود هفصد صحافی بود.

۴. معمولاً «مسائل مستحدثه» و جدید در این رساله‌ها، چشم‌گیر نیستند؛ در صورتی که به واسطه ظهور تکنولوژی، بسیاری از مسائل فقهی «مبتلی به» مردم تغییر کرده‌اند.



بنابراین به این فکر افتادم که، خوب است برخی از مسائل و مشکلاتی که میان مؤلفان و ناشران، و کلاً «صنعت نشر» وجود دارد را، به صورت سؤال‌هایی، از برخی مراجع تقلید شیعه، استفتاء نمایم.

چون سال‌ها در صنعت نشر حضور داشتم و در کار تألیف کتاب هم دستی داشتم، حدود ۳۷ استفتاء، اینجانب نوشتم و به صورت نامه‌ای آماده نمودم و از ۲۲ تن از مراجع معظم تقلید زنده شیعه، (که صاحب رساله توضیح المسائل بودند) و

نیز برخی از علماء دیگر، به صورت مکتوب پاسخ خواستم.

این اقدام، حداقل دو مزیت مشخص داشت:

یک. همه این سؤال و پاسخ‌ها در یک جلد کتاب با نام «احکام ناشران» در سال ۱۳۸۸ش منتشر شد، و در اختیار ناشران، مؤلفان و محققین و علاقمندان این موضوع قرار گرفت.

دو. استفتانات اینجانب، در برخی از رساله‌ها و کتب استفتانات مراجع تقلید، انعکاس و جای گرفت؛ و فتح باب بیشتری، برای پرداختن به این دست مسائل گشت.

...

اکنون (۱۳۹۶) به مناسبت اقبال مردم به فضای مجازی و استفاده از گوشی موبایل و کامپیوتر، مسائل نشر، کپی و کپی‌رایت بسیار مبتلابه و پرکاربرد شده است. و از سوی دیگر، چون موضوع «مالکیت فکری» و «حقوق معنوی» در ایران قابل توجه شده است^۱ (هرچند هنوز به مرحله رعایت نرسیده است) به نظرم رسید، مناسب است کتابی تحت عنوان «استفتانات ایده» که موضوع‌شناسی ایده و نیز احکام «ایده»، «ایده‌پردازی» و «ایده‌برداری» را دربرگیرد، تدوین نمایم؛ تا دو منظور مشخص را دربر پشتیبانی کند:

۱. نشان دادن حالات و انواع و پیچیدگی‌های «موضوع» مالکیت فکری و حقوق معنوی، هم برای مراجع معظم تقلید، و هم برای علاقمندان و محققین این موضوع.
۲. یک‌جا قرار گرفتن استفتانات این موضوع در کنار هم، و ایجاد سهولت استفاده و دقت در تأمل صدر و ذیل این فتاوا.

وقتی، تلاشم را آغاز کردم، از آنجا که تحقیقات موضوع‌محور، برعکس تحقیقات مسأله‌محور، خاصیت گسترش‌افزایی دارند، نتیجه این تلاش چند عنوان کتاب شد؛ که عبارتند از:

- تاریخچه مالکیت ایده در ایران

- موضوع‌شناسی ایده‌برداری

- مسائل ایده و فقه شیعی

- استفتانات ایده‌برداری

- کتابشناسی فقهی ایده

۱. تعداد مقالات و کتابهای حقوق پیرامون این مسأله، خود گواه بر این موضوع است. نک: امانی، عبدالباقر، کتابشناسی حقوق مؤلف، نشر چاپار، تهران، ۱۳۹۲ش.

و مجموع آنها، تحت یک عنوان کتاب، با نام:

- مالکیت فکری و ایده‌برداری

که شامل پنج بخش، و فصول متعدد، به همراه مقاله «مسأله ارسال همزمان یک مقاله به مجلات مختلف» می‌باشد.

و همچنین، خلاصه این جلد، تحت عنوان:

مالکیت فکری در فقه شیعی امامیه

امید دارم تحفه حاضر، مورد توجه خوانندگان عزیز، دانشجویان رشته مالکیت فکری و کلیه علاقمندان مسائل حقوق ایده، قرار گیرد، و موجب قدم کوچکی در تحکیم «مالکیت ایده» و «حقوق ایده‌پردازی» گردد.

خوانندگان گرامی، اگر کاستی‌هایی در متن کتاب مشاهده نمودند، می‌توانند به آدرس ایمیل: ostadikazem@yahoo.com آن را مطرح و خوشحالم نمایند.

کاظم استادی

بهمن ۱۳۹۶

مسائل ایده و فقه شیعی

www.ketab.ir

مقدمه

شاید از برخی آیات و روایات، مفاهیمی قابل تطبیق به مالکیت فکری و حقوق معنوی، بتوان یافت؛ هر چند که همان‌ها نیز ممکن است آیات و روایات مقابل داشته باشند که آن مفهوم را از استشهاد ساقط کنند، همانند:

• در دانش با یکدیگر یکرنگ باشید؛ زیرا خیانت هر يك از شما در علمش، بدتر از خیانت کردن در مال است و در روز قیامت خداوند از شما بازخواست می‌کند.^۱

• در علم با یکدیگر یکرنگ باشید و دانش خویش را از هم پنهان مدارید؛ زیرا خیانت در علم، بدتر از خیانت در مال است.^۲

۱. تَنَاصَحُوا فِي الْعِلْمِ؛ فَإِنَّ خِيَانَةَ أَحَدِكُمْ فِي عِلْمِهِ أَشَدُّ مِنْ خِيَانَتِهِ فِي مَالِهِ، وَإِنَّ اللَّهَ سَأَلَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (الأمالی للطوسی: ۱۹۸/۱۲۶).

۲. تَنَاصَحُوا فِي الْعِلْمِ، وَلَا يَكُنْكُمْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا؛ فَإِنَّ خِيَانَةَ فِي الْعِلْمِ أَشَدُّ مِنْ خِيَانَةِ فِي الْمَالِ. (کنز العمال: ۲۸۹۹۹).

جدای از این نکته، با جستجویی که انجام دادم، و نیز بررسی برخی مقالات جدید، چیزی پیرامون مالکیت فکری و حقوق معنوی در میان آثار متقدم فقهی شیعه، نیافتم؛ هر چند که در لابلای برخی کتب فقهی قدیمی اهل سنت، اشارات مختصری پیرامون برخی از ابعاد مالکیت فکری قابل مشاهده است؛ هر چند که به علت اجمال، کاملاً قابل تطبیق دقیق با این موضوع و ابعاد آن نیستند.

اما منظور از مالکیت فکری و حقوق ایده چیست؟

معمولاً و با کمی اغماض، به حق و حقوقی که متعلق آنها، غیر ملموس و امور اعتباری و معنوی است، «حقوق معنوی» یا «حقوق مالکیت فکری» اطلاق می‌شود؛ یعنی، حقوقی که ابتدائاً یا اولاً و بذات، مادی و ملموس نیستند؛ و به اعتبار و با واسطه، قابلیت عینی یا مادیت می‌یابند.

برخی از این حقوق غیر ملموس، عبارتند از: حق طبع و نشر، حق اختراع و ابتکار، حق امتیاز انتشار و چاپ روزنامه و نشریه، حق تولید تحت لیسانس، حق پروانه نرم‌افزار آزاد، حق امتیاز تأسیس شرکت و فروشگاه، حق استخراج معدن، و نیز حقوقی همانند: حق امتیاز آب، برق، گاز، اینترنت و تلفن؛ یعنی، حق امتیازی که ادارات دولتی یا برخی از مراکز، در مقابل هویت شخصی ایرانی یا دریافت مبلغی یا غیر آن، به برخی اشخاص واگذار می‌کند.

در مقابل، حق یا حقوقی «عینی» و ملموس قرار دارند؛ که متعلق آن‌ها، «عین خارجی» یا «شیء ملموس» است؛ همانند: «حق تحجیر» که متعلق آن زمین است. همچنین برخی حقوق هم هستند که از جهتی شبیه حقوق عینی هستند، و از جهتی شبیه حقوق معنوی؛ همانند: «حق قصاص» که گفته شده متعلق آن، جانی است.

برخی در تعریف اجمالی مالکیت فکری و حقوق معنوی گفته‌اند:

مالکیت حقوقی عبارت است از احاطه و سلطنت کسی بر چیزی که این قسم امری است که عقلاً آن را بر حسب نیاز جامعه برای اشخاص حقیقی و حقوقی اعتبار کرده‌اند.^۱

این حقوق در گذشته دور که موضوعیت چندانی نداشته و مورد توجه فقها نبوده است؛^۲ اما در دوران معاصر، اساس حقوق اعتباری یا معنوی میان فقها، محل اختلاف است؛ یعنی، در اینکه حق تألیف برای پدید آورنده اثر، یا حق طبع برای ناشر و یا حق اختراع برای مخترع، یا به طور کلی، حق ایده برای مالک ایده، از نظر شرع معتبر است یا نه، اختلاف است. (که مفصل آرا و مبانی به زودی خواهد آمد)

برخی معتقدند که:

صاحب ایده، مثلاً مؤلف، می‌تواند دیگران را از تکثیر، چاپ و پخش کتاب تألیفی خود منع کند؛ و دیگران نیز نمی‌توانند و نباید بدون اجازه مالک ایده یا صاحب اثر، اثر یا کتاب او را تکثیر، چاپ و توزیع کنند؛ یا اگر صاحب اثر، حق نشر و تکثیر اثر خود را به شخصی یا ناشری، رایگان یا در قبال پول واگذار کرده باشد، افراد و ناشران دیگر، نمی‌توانند بدون اجازه صاحب یا اختیاردار جدید، اثر یا کتاب را تکثیر و منتشر کنند.^۳

بنابر این نظر، صاحب اثر، مؤلف یا مخترع، مالک محصول فکر و اندیشه خود بوده، و می‌تواند آن را بفروشد یا ببخشد؛ و یا سایر تصرفات مالکانه در آن داشته باشد.

۱. روحانی، سید محمد صادق، *المسائل المستعده*، قم دارالکتاب ۱۴۱۴ه.ق، ص ۲۲۵.

۲. نک: تاریخچه مالکیت فکری در ایران.

۳. به عنوان نمونه، نک: روحانی، سید صادق، *المسائل المستعده*، ص ۲۲۳-۲۲۴.

در مقابل این نظر، برخی دیگر از فقها، برای چنین مواردی، از نظر شرعی، اعتبار قائل نیستند؛ و استفاده از ایده‌دیگران همانند: چاپ کتاب یا نمونه برداری از اختراع را، بدون اشکال و مجاز می‌دانند.^۱

هر چند که برخی از این فقهای که قائل به حقوق مالکیت فکری نیستند، عقیده دارند که: در صورتی که این گونه حقوق، از سوی دولت و مراکز ذیصلاح، قانونی شوند و به تأیید حاکم شرع برسند، معتبر می‌شوند و رعایت این حقوق لازم است؛^۲

به این معنی که: حقوق مالکیت فکری، ابتدائاً یا به حکم اولی، شرعی نیستند؛ ولی در صورتی که قانون و عرف، برای آن مالیت قائل شود، و با آن همچون سایر اموال عینی رفتار کنند، این حقوق، شرعاً معتبر می‌شوند و در نتیجه، ارث بردن و خرید و فروش آن جایز خواهد بود.^۳

با این مقدمه و اشاره اجمالی، اکنون در این بخش، پیرامون مالکیت فکری و حقوق معنوی، نکات متفرقی را که به نظرمان رسد لازم است به عنوان درآمدی در مسایل فقهی ایده مورد توجه قرار گیرد، طی چهار فصل، توجه می‌دهیم؛ که عبارتند از:

۱- فقه ایده از گذشته تا حال.

۲- برخی از پیش‌نیازهای فقه ایده.

۳- برخی از نیازهای فقه ایده.

۴- آینده و فقه ایده

۱. نک: موسوی خمینی، روح الله، *تحریر الوسیلة*، ج ۲، ص ۶۲۵-۶۲۶. نیز: *صراط النجاة*، ج ۱، ص ۲۵۲. نیز:

سیستانی، علی، *الفتاوی المیسرة*، ص ۴۱۲.

۲. در فصول و مطالب آینده، جمیع آرا به تفکیک خواهد آمد.

۳. نک: *حواریات فقهیه*، ص ۳۱۸.